

## هنریک توماشفسکی

### طراحی که هر ضربه قلمش می‌توانست یک هایکو باشد!



عنوان هنرمندی پویا با شوخ‌طبعی هجوآمیز شناساند و آثارش در مجلات و روزنامه‌ها به چاپ رسید. سختی سال‌های جنگ به او آموخته بود که با حداقل ابزار و مفاهیم ساده کار کند: یک قلم‌موی ساده، یک مداد و یک قیچی برای او کافی بود و بقیه کار را به تخیل و تجسم‌اش واگذار می‌کرد. پس از جنگ محدوده کارش گسترش یافت. کتاب‌ها را تصویرسازی می‌کرد، صحنه‌های تئاتر را طراحی می‌کرد و بیش از همه به طراحی پوستر می‌پرداخت. در سال ۱۹۵۲، آکادمی پست تدریس طراحی پوستر را به وی پیشنهاد کرد.

توماشفسکی خود را درگیر سیاست نکرد و برخلاف بسیاری از استادان آکادمی هیچگاه عضو حزب نشد. در سال ۱۹۶۸ در خلال شورش‌های دانشجویی در کنار دانشجویان ماند و تنها شهرت و اعتبار چشمگیر و محبوبیت‌اش از او محافظت کرد.

خشکی و سرسختی نظام بوروکراسی کمونیستی او را تحریک می‌کرد. در ۱۹۸۳ بعد از سرکوب «همبستگی»، وقتی که حکومت نظامی محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های جدی را به مردم تحمیل کرد و از جمله استفاده از علامت پیروزی بود، توماشفسکی با پوسترى که در آن یک پای بزرگ سبز با یک علامت پیروزی به بیننده سلام می‌کند، به سانسور دهن‌کجی کرد.

خیابان‌های ورشو به مثابه زمین بازی برای توماشفسکی بود و اغلب شهروندان در حال عبور را شگفت‌زده و شوکه می‌کرد. استفاده و تاکید او بر رنگ‌ها، حسی از زندگی و خوش‌بینی به مناظر شهری تزریق می‌کرد که سال‌های سال بر اثر ویرانی‌های ناشی از جنگ و محدودیت‌های نظام کمونیستی، خاکستری، بی‌روح و کسالت‌آور بودند.

یکی از روزنامه‌های ورشو در یک سری مسابقات ماهیانه از خوانندگان خود دعوت کرده بود که به پوستر محبوب‌شان رای دهند و هر پوستر جدیدی که از استودیوی توماشفسکی بیرون می‌آمد، به طرز اجتناب‌ناپذیری جایزه این رقابت مردمی را از آن خود می‌کرد. جوایز معتبر بین‌المللی هم به دنبال آن آمدند. مثل جایزه اول دوسالانه سائوپولو و مدال‌هایی از فرانسه، آلمان، فنلاند و ژاپن. تعجبی نیست که آثار توماشفسکی در ژاپن بسیار شناخته شده و تحسین‌برانگیز است. کشوری که شعر هایکو و هنر خوشنویسی در فرهنگ آن نقش محوری دارد. همچنان که طراح گرافیک ژاپنی شیگئو فوکودا Shigeo Fukuda اشاره می‌کند:

"با دیدن آثار توماشفسکی که برای نخستین بار در مقابل من یک‌جا جمع شده بودند، ناگهان دریافتم که مفاهیمی حتی بیش از آنچه قبلاً دریافته بودم در آنها مستتر است. در هر ضربه قلم‌مویش همان تمرکز معنوی وجود دارد که مورد نیاز هر خوشنویس ماهر ژاپنی است. آنها در پیام‌های خلاصه شده‌شان به راحتی اندیشه‌ی ژرف شاعرانه یک هایکوی هفده سیلابی را حمل می‌کنند و در سادگی کوچک‌شان دنیای نامحدودی را عرضه می‌کنند."

توماشفسکی تا زمان بازنشستگی‌اش از آکادمی در سال ۱۹۸۵، یکی از تاثیرگذارترین استادان دنیا در رشته خودش بود که نسل‌های زیادی از هنرمندان و طراحان گرافیک از شاگردان وی بودند و برخی از آنها از سایر نقاط جهان آمده بودند.

برخی از اعضای "گراپوس" که یک اتحادیه طراحی فرانسوی بود، عمیقاً تحت تاثیر شیوه تدریس او قرار گرفته بودند و برآن شدند تا دامنه و شیوه کار جدیدی را در برخورد با مقوله‌های اجتماعی سیاسی و محیطی در پیش گیرند و پروسه پوستر سیاسی در فرانسه را حیاتی دوباره بخشند.

هنریک توماشفسکی شخصیتی کلیدی و استاد چندین نسل از هنرمندان و طراحان در لهستان و فراتر از آن بود. با مرگ او در سن ۹۱ سالگی، پرونده یکی از بزرگترین طراحان پوستر در قرن گذشته بسته شد، اما عشق او به هنر و طراحی در میان آثار بی‌زمان و شاگردان بی‌شمار وی زنده است.

هنریک توماشفسکی در سال ۱۹۱۴ در ورشو به دنیا آمد و در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۵ از دنیا رفت. او در آکادمی هنرهای زیبای ورشو به تحصیل نقاشی پرداخت و بعداً (از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۸۵) در همانجا به تدریس مشغول شد.

او از اعضای اتحادیه بین‌المللی گرافیک (AGI) بود. توماشفسکی که از نخبگان هنر گرافیک به شمار می‌آمد عنوان افتخاری طراح برگزیده صنعتی را نیز از انجمن سلطنتی هنرها در لندن دریافت کرد.

مهمترین جوایز دریافتی او عبارت بودند از: جایزه نخست دوسالانه بین‌المللی هنرها، سائوپولو، ۱۹۶۳؛ مدال نقره دوسالانه بین‌المللی پوستر، ورشو، ۱۹۹۶؛ مدال طلا ۱۹۷۰؛ مدال‌های طلا و نقره ۱۹۸۸؛ مدال برنز ۱۹۹۴؛

دوسالانه بین‌المللی پوستر لهستان، مدال طلای کاتوویس ۱۹۶۷؛ مدال نقره ۱۹۷۵؛

جایزه بزرگ دوسالانه پوستر لاهتی در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۷ و جایزه نخست ۱۹۷۹

سه سالانه بین‌المللی پوستر تایوما، مدال برنز ۱۹۹۱؛ مدال نقره ۱۹۹۴ و جایزه عالی ایکوگرا ۱۹۸۶.

اگرچه توماشفسکی ۹۱ سال زندگی کرد، اما به طور جاودانه‌ای جوان به نظر می‌رسید و هرچند به عنوان نقاش از آکادمی هنرهای زیبا بیرون آمد، اما بزرگترین موقعیت‌هایش را از طراحی پوستر به دست آورد.

آثارش در تمامی دنیا شناخته شده و خودش نیز معلمی همه‌جانبه بود و هست.

علی‌رغم فشارهای ایدئولوژیکی و شرایط کمونیست‌ها پس از جنگ در لهستان، هنر پوستر توانست جولانگاه ایده‌آلی برای هنرمند آزاداندیشی چون توماشفسکی باشد.

پس از این که رأیسم اجتماعی نتوانست در کشور پا بگیرد، موقعیت‌هایی برای گرافیک‌ها ایجاد شد تا پوسترهایی برای تهیه‌کنندگان فیلم و بعدها برای کارگردان‌های تئاتر طراحی کنند.

مردمی که فقر فرهنگی داشتند، به سرعت جذب جماعت سینماگر شدند و سالن‌های تئاتر و سینما مملو از تماشاگرانی کنجکاو شده بود و پوسترها به عنوان ابزارهای فرهنگی برای تبادل اطلاعات عمل می‌کردند.

آن‌ها ضمن اعلام وقایع فرهنگی، اغلب اعتبار هنری آن وقایع را منعکس می‌کردند و گاه محتوای آن‌ها را با استهزایی ظریف به نقد می‌کشیدند.

طراحی‌هایی غنی از استعاره و نمادگرایی و فارغ از محاسبات تجاری

طراحان، فارغ از محاسبات تجاری آزادانه فرم را تجربه می‌کردند. تصاویر آنها غنی از استعاره و نمادگرایی بود و در بسیاری از کارها تهرنگی قوی از سوررئالیسم احساس می‌شد.

در این میان پوسترهای توماشفسکی جذاب و در عین حال تحریک‌کننده بودند. ساختار فرم‌گرایانه آنها معمولاً صریح بود اما با نوعی مهارت و تردستی اجرا شده بودند. ترکیب‌بندی‌ها به گونه‌ای بودند که محتوای اصلی را عیان می‌کردند و همیشه یک پیام صریح با خود داشتند. این رویکرد مینیمالیستی به طراحی، در جذب عده زیادی از مخاطبان شکست نمی‌خورد.

توماشفسکی در ورشو و در خانواده موسیقیدانی به دنیا آمد که تاحدودی از پسرشان به عنوان ویولونیست با استعدادی که به جای این که به کنسرواتوار موسیقی برود خود را وقف مطالعه هنر کرده بود، مایوس شده بودند.

توماشفسکی بعد از روز دلسردکننده‌ای که در دپارتمان آکادمی گرافیک داشت، طرح‌هایش را زیر بغل زد و آنجا را به قصد دپارتمان نقاشی ترک کرد. همان‌جا که بعدها از آن فارغ‌التحصیل شد. وی به سرعت خود را به

